

اختراع قوم یهود

شلومو سند

برگردان از عبری به انگلیسی: یائیل لوتان

ترجمه فهمیه چاکرالحسینی ابرقوئی



نشر اختران

دیباچه مترجم

کتاب اختراع قوم یهود در سال ۲۰۰۸ در اسرائیل به چاپ رسید. نویسنده این کتاب شلومو سند از پدر و مادری ییدیش و لهستانی تبار است. وی که زاده اسرائیل و استاد بازنشسته تاریخ دانشگاه تل‌آویو است با نوشتن این کتاب خوانشی نوین از مسئله اسرائیل-فلسطین ارائه می‌دهد که در تنافر مطلق با دستگاه تبلیغاتی غربی است.

کتاب حاضر ابتدا با بررسی پدیده‌های ملت، ملیت و ملی‌گرایی نشان می‌دهد که این مفاهیم، مفاهیمی مدرن‌اند که هم‌زمان با شدت گرفتن موج ملی‌گرایی در قرن‌های هجده و نوزده به ادبیات سیاسی وارد شده‌اند. تمامی دولت-ملت‌های شناور در این موج به دنبال ایجاد مرزهای مشخص میان «ما» و «آنها» دست به تاریخ‌سازی و خلق عقبه‌ای خیالی برای ملت‌های خود زدند تا نشان دهند که ملتشان باستانی‌ترین نهاد در این عرصه است. یهودیان نیز که هم‌زمان با شدت گرفتن این پدیده در اکثر کشورهای اروپای شرقی از ملتی که بدان تعلق داشتند رانده و در عرصه یک‌تازی ملت‌های نوپا مانده بودند برای عقب نبودن از قافله تاریخ‌سازی با تمسک به داستان‌های اسطوره‌ای کتاب مقدس، هویتی مجعول برای خود دست‌وپا کردند. اینان که تا پیش از قرن نوزدهم همچون اجتماعات پراکنده دینی در جغرافیایی به وسعت آسیای میانه تا اروپای غربی جزئی از دولت-ملت‌هایی به شمار می‌رفتند که در سایه حاکمیت آن زندگی می‌کردند اکنون با جعل پیشینه‌ای خیالی و چنگ انداختن به داستان موهوم تبعد پس از سقوط معبد دوم از طرف امپراتوری روم و آوارگی دوهزارساله که از اساس متضمن مفهومی متفاوتی است خود را قومی یکپارچه جا زدند که سال‌ها در تبعید بوده و اینک هنگامه بازگشتش به سرزمین مقدس و احیای دولت-ملت کهن یهودیه فرارسیده است.

سند در میانه راه با شواهد متقن تاریخی نشان می‌دهد که یهودیه‌ای‌های واقعی ساکنان کنونی سرزمین باستانی فلسطین هستند که پس از فتح فلسطین

به دست مسلمانان در قرن هفتم، اسلام آورده و هرگز در هیچ دوره تاریخی از سرزمین خود رانده نشدند تا این که قرن بیستم فرارسید و بزرگ‌ترین و هولناک‌ترین پاک‌سازی قومی در تاریخ معاصر به وقوع پیوست و تشکیلات صهیونیستی با حمایت دولت‌های غربی طرح استعمار نوین سرزمین فلسطین را آغاز کرد و بدین ترتیب طولانی‌ترین مناقشه صد سال اخیر در خاورمیانه رقم خورد. هم‌زمان با اثبات این واقعیت تاریخی سند می‌پرسد یهودیان کنونی چه کسانی هستند؟ و ادامه می‌دهد یهودیان فعلی همگی نوکیشانی هستند که طی دو هزار سال به روش‌های مختلف به دین یهود پیوسته‌اند. او با ایجاد تمایز میان اقلیت دینی و نهاد قومی که مشخصه‌های منحصر به فرد فرهنگی و زبانی دارد، یهودیان را به جای قوم، اقلیت‌های دینی می‌داند که در کشورهای خود زندگی می‌کردند و می‌پرسد وجه اشتراک این جوامع به جز آیین‌ها و تشریفات دینی چیست؟

سند نشان می‌دهد که چطور نظام آموزشی رژیم اشغالگر قدس با دیکته کردن این تاریخ جعلی به نسل‌های متمادی یهودیان زاده شده در سرزمین‌های اشغالی، حق تاریخی فلسطینیان بر سرزمین خویش را نادیده می‌گیرد. او با زیر سؤال بردن ارکان دموکراسی در رژیم اشغالگر قدس می‌پرسد چطور دولتی می‌تواند خود را در صف کشورهای دموکراتیک جا بزند و در عین حال وحشتناک‌ترین تبعیض‌ها را علیه یک‌چهارم از شهروندانش (شهروندان عرب رژیم صهیونیستی) اعمال کند. او با به چالش کشیدن سیاست‌های هویتی در این رژیم و تأکید بر برابری سیاسی همه شهروندان در یک نظام سیاسی به‌عنوان رکن دموکراسی‌های اصیل سرتاسر جهان، رژیم صهیونیستی را در زمره کشورهای بسیار ضعیف در خصوص دموکراسی قرار می‌دهد و به این ترتیب به جنگ با پروپاگاندای غربی می‌رود که سال‌هاست با نادیده گرفتن رفتارهای سبعانه این رژیم بر ضد شهروندان عرب و ساکنان مناطق اشغالی، آن را به‌عنوان تنها دموکراسی خاورمیانه به مخاطبان حُقنه می‌کند.

در انتها نیز می‌گوید با تداوم رفتارهای کنونی این رژیم غاصب در چارچوب مرزهای پذیرفته‌شده بین‌المللی، حیات این کشور با مخاطرات جدی روبرو است، چرا که علی‌رغم استمرار این سیاست‌ها نرخ مهاجرت به اسرائیل در

سال‌های اخیر منفی بوده و تبلیغات برای تبدیل این کشور به تنها کشور یهودیان جهان با شکست‌های جدی روبرو شده است.

باید خاطرنشان کرد که پیدایش، شکل‌گیری، بقا و موجودیت رژیم صهیونیستی با اشغالگری و حمایت قدرت‌های امپریالیستی بوده است. از همین رو ما نیز آن را همچون یک کشور به رسمیت نمی‌شناسیم و همان‌طور که بسیاری از نویسندگان یهودی و پست‌صهیونیست در این اثر و آثار بسیار دیگر اذعان دارند، موجودیت این به‌اصطلاح کشور دارای تناقض ذاتی است و در صورت عدم تغییرات اساسی در رویکردها و روش‌های حاکمیتی دچار فروپاشی خواهد شد.

لازم به ذکر است که مترجم هم مثل نویسنده واژه اسرائیل را صرفاً برای اشاره به یک محدوده مکانی اشغال‌شده به دست صهیونیست‌ها به کار گرفته و این اجبار، تأیید این موجودیت تحمیلی بر منطقه نیست.

فهرست

پیشگفتار نسخهٔ انگلیسی.....	۱۳
مقدمه: سنگینی خاطرات.....	۱۷
هویت در حرکت.....	۱۸
خاطرات ساختگی.....	۳۵
فصل یکم: ملت‌سازی: حاکمیت و برابری.....	۴۹
واژه‌نامه: «مردم» و قوم.....	۵۱
ملت: مرزها و تعریف‌ها.....	۶۰
از ایدئولوژی تا هویت.....	۷۱
از افسانهٔ قومی به انگارهٔ شهروندی.....	۷۸
روشنفکر به‌منزلهٔ «شه‌ریار» ملت.....	۸۹
فصل دوم: اسطوره‌تاریخ: در آغاز، خدا قوم را آفرید.....	۱۰۱
جوهر اولیهٔ تاریخ یهودیان.....	۱۰۳
عهد عتیق به‌منزلهٔ اسطوره‌تاریخ.....	۱۱۱
نژاد و ملت.....	۱۱۹
مجادلهٔ مورخان.....	۱۲۴
دیدگاه اولیهٔ ناسیونالیستی از شرق.....	۱۳۱
دورهٔ قوم‌گرایی در غرب.....	۱۴۲
نخستین گام‌های تاریخ‌نگاری در صهیون.....	۱۴۸
سیاست و باستان‌شناسی.....	۱۵۸
زمین علیه اسطوره‌تاریخ طغیان می‌کند.....	۱۶۸
کتاب مقدس به‌منزلهٔ استعاره.....	۱۷۸
فصل سوم: اختراع تبعید: تبلیغ دینی و تغییر کیش.....	۱۸۷
"قوم" تبعیدشده در سال ۷۰ دوران مشترک.....	۱۸۸
تبعید بدون اخراج: تاریخ در هاله‌ای از ابهام.....	۱۹۷
قوم برخلاف میلش از میهنش مهاجرت کرد.....	۲۰۶
«جمعیت امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد».....	۲۱۴

۲۲۱	حشموڻيان يهوديت را به همساڻگانشان تحمیل می کنند
۲۲۹	از قلمروی یونانی تا قلمرو بین النهرین
۲۳۷	یهودی شدن در سایه روم
۲۴۶	یهودیت حاخامی تبلیغ دینی را چگونه می دید
۲۵۳	سرنوشت غم انگیز ساکنان یهودیه
۲۵۸	به یاد آوردن و از خاطر بردن «قوم سرزمین»
۲۶۹	فصل چهارم: قلمروهای سکوت - در جست و جوی زمان از دست رفته (ی یهودی)
۲۷۴	عربستان سعید - پادشاهی نوکیش حمیر
۲۸۲	فنیقی ها و بربرها: ملکه کاهنه اسرار آمیز
۲۹۷	خاقان یهودی؟ امپراتوری عجیبی در شرق ظهور می کند
۳۰۷	خزرها و یهودیت: معاشقه ای طولانی؟
۳۲۲	پژوهش های مدرن گذشته خزرها را می کاود
۳۳۴	معما: خاستگاه یهودیان اروپای شرقی
۳۴۹	فصل پنجم: تمایز: سیاست های هویتی در اسرائیل
۳۵۷	صهیونیسم و وراثت
۳۷۸	بازیچه علمی و گوژ پشت نژادپرست
۳۸۹	تأسیس کشوری قومی
۴۰۶	یهودی و دموکراتیک؛ جمع اضداد؟
۴۲۵	قوم سالاری در عصر جهانی شدن
۴۳۵	قدردانی
۴۳۷	نمایه

به یاد آوارگانی که به این خاک آمدند و
آنهایی که ناچار به ترک آن شدند.

پیشگفتار نسخه انگلیسی

اصل این کتاب به زبان عبری است. زبان مادری من در واقع ییدیش است، اما زبان تخیلات و احتمالاً رؤیاهایم همچنان عبری است؛ و طبعاً زبانی که به آن می‌نویسم. برای انتشار کتابم اسرائیل را انتخاب کردم زیرا مخاطبان آن را در درجه اول اسرائیلی‌ها می‌دانستم، چه آن‌هایی که خود را یهودی می‌پندارند و چه کسانی که آن‌ها را به نام عرب می‌شناسند. دلیل چنین انتخابی هم بدیهی بود: من در تل‌آویو زندگی می‌کنم و در اینجا تاریخ درس می‌دهم.

بار نخست کتاب که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد بازتاب‌هایی دریافت کرد که قدری عجیب بود. رسانه‌های الکترونیکی بسیار کنجکاو بودند و من به برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی دعوت شدم. روزنامه‌نگاران نیز با نظر مثبت به اثر پژوهشی من توجه کردند. در مقابل، نمایندگان بدنه تاریخ‌نگاری دولتی کتاب را با خشمی آکادمیک تخطئه کردند و وبلاگ‌نویس‌های جوگیر مرا دشمن مردم تصویر کردند. شاید همین تقابل موجب اقبال خوانندگان شد: کتاب نوزده هفته در فهرست پرفروش‌ترین‌ها بود.

برای فهم چنین اتفاقی باید نگاه بی‌طرفانه‌ای به اسرائیل داشته باشید و تمام تعصبات مثبت یا منفی را کنار بگذارید. من در جامعه‌ای نسبتاً عجیب زندگی می‌کنم. چنان‌که فصل‌نهایی کتاب (دلیل دلخوری بسیاری از منتقدان کتاب) نشان می‌دهد تا وقتی که اسرائیل به‌جای نمایندگی تمام شهروندان ساکن در مرزهای شناخته‌شده‌اش (نه قلمروهایی که به اشغال درآورده است) خود را دولت «قوم یهود» می‌داند نمی‌توان آن را کشوری دموکراتیک دانست. روح قوانین اسرائیل نشان می‌دهد که در آغاز قرن بیست و یکم هدف دولت به‌جای خدمت به اسرائیلی‌ها، به‌جای ایجاد شرایطی یکسان برای تمام مردمی که در آن زندگی می‌کنند و به زبانش سخن می‌گویند، خدمت به یهودیان و تأمین بهترین شرایط برای بازماندگان فرضی این قوم است. در واقع کسانی که از مادری یهودی زاده

می‌شوند بهترین‌ها را در داخل و خارج کشور دارند، برای انتخاب زندگی در لندن یا نیویورک آزادند و مطمئن‌اند که کشور اسرائیل به آن‌ها تعلق دارد، حتی اگر نخواهند تحت حاکمیتش زندگی کنند. درعین حال، کسانی که از تخمه یهود نیستند و در یافا یا ناصره به دنیا آمده‌اند احساس می‌کنند کشوری که در آن به دنیا آمده‌اند هرگز به آنان تعلق ندارد.

با این حال، نوع نادری از پلورالیسم لیبرال در اسرائیل وجود دارد که در زمان جنگ تضعیف می‌شود اما در زمان صلح به خوبی عمل می‌کند. تاکنون در اسرائیل امکان بیان گستره وسیعی از دیدگاه‌های سیاسی در رویدادهای ادبی وجود داشته است، احزاب عرب در انتخابات پارلمانی شرکت داشته‌اند (به شرط آن‌که درباره ماهیت یهودی دولت چون و چرا نکنند) و می‌توان مسئولان انتخابی را نقد کرد. برخی آزادی‌های لیبرال (نظیر آزادی مطبوعات، آزادی بیان و آزادی تجمعات) حفظ شده‌اند و عرصه عمومی هم متکثر است و هم ایمن. به همین دلیل است که این کتاب امکان انتشار یافت و در سال ۲۰۰۸ با استقبال کم‌نظیر مواجه شد و بحث‌هایی واقعی در پی داشت.

وانگهی بازار اسطوره‌های ملی مدت‌هاست که از سکه افتاده است. نسل جدید روزنامه‌نگاران و منتقدان احساسات قومی جمع‌گرایانه والدین خود را منعکس نمی‌کند و به دنبال الگوهای اجتماعی است که در لندن و نیویورک شکل گرفته‌اند. جهانی شدن بر عرصه‌های فرهنگی حتی در اسرائیل چنگ انداخته است و در این روند اسطوره‌های پرورش‌دهنده «نسل بنیان‌گذاران کشور اسرائیل» را کمرنگ کرده است. اکنون جریانی فکری موسوم به پساصهیونیسیم در بسیاری از مؤسسات آموزش عالی شکل گرفته — هرچند هنوز در حاشیه قرار دارد — و تصاویری ناشناخته از گذشته ارائه می‌کند. جامعه‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافی‌دانان، دانشمندان علوم سیاسی، لغت‌شناسان و حتی فیلم‌سازان وژگان بنیادی ناسیونالیسم حاکم را به چالش کشیده‌اند.

اما این جریان اطلاعات و بینش‌ها هنوز به مراکز آکادمیک عبری نرسیده است که در آن‌ها رشته‌ای خاص به نام «تاریخ قوم بنی اسرائیل» وجود دارد. این مؤسسات دپارتمان تاریخ به معنای واقعی کلمه ندارند، در عوض دپارتمان تاریخ عمومی (نظیر همان که محل تدریس من است) دارند و دپارتمان‌های مجزای

تاریخ قوم یهود (بنی اسرائیل). ناگفته پیداست که منتقدان سرسخت من از همین بخش دوم‌اند. گذشته از غوغا بر سر خطاهای جزئی، اصل حرف ناراضیان از نگارش این کتاب این بود که من صلاحیت تاریخ‌نگاری قوم یهود را نداشته‌ام، چراکه حوزه تخصصی‌ام اروپای غربی است. اما به سایر تاریخ‌نگاران عمومی که به تاریخ یهود پرداخته‌اند، به شرطی که از تفکر غالب منحرف نشده باشند، چنین حملاتی نمی‌شود. «قوم یهود»، «سرزمین اجدادی»، «تبعید»، «دیاسپورا»، «علیا»، «سرزمین اسرائیل»، «سرزمین رستگاری» و مانند این‌ها در تمام بازسازی‌های تاریخ ملی در اسرائیل اصطلاحاتی کلیدی هستند و خودداری از به‌کارگیری آن‌ها بدعت‌آمیز تلقی می‌شود.

پیش از آغاز نگارش این کتاب از همه این مسائل باخبر بودم. انتظار داشتم که حمله‌کنندگان به این کتاب مدعی باشند که من دانش کافی برای پرداختن به تاریخ یهود ندارم، یکتایی تاریخی قوم یهود را درک نکرده‌ام، خاستگاه توراتی این قوم را نادیده انگاشته و وحدت ابدی‌اش را انکار کرده‌ام. اما به نظرم رسید این‌که عمری را در دانشگاه تل‌آویو در میان مجموعه اسناد و مدارک عظیمش درباره تاریخ قوم یهود بگذرانم و وقتی برای خواندن و دست و پنجه نرم کردن با این مجموعه صرف نکنم به حرفه‌ام خیانت کرده‌ام. برای من قطعاً لذت‌بخش می‌بود که در مقام استادی باسابقه، برای جمع‌آوری اطلاعات درباره فرهنگ غربی به فرانسه و ایالات متحده سفر کنم و از قدرت و آرامش فضای آکادمیک بهره‌مند شوم. اما من تاریخ‌نگارم و طبعاً در شکل‌دهی حافظه جمعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم سهم دارم. بنابراین احساس کردم وظیفه دارم مستقیماً در حساس‌ترین جنبه این امر مشارکت کنم.

صادقانه باید بگویم اختلاف بین آنچه پژوهش من درباره تاریخ قوم یهود ارائه می‌کند و فهم متداول تاریخی (نه تنها در اسرائیل بلکه در پهنه جهانی) خود مرا هم به اندازه خوانندگان این کتاب شگفت‌زده کرد. به‌طورکلی نظام آموزشی به شما یاد می‌دهد که اول تفکر و تحقیق کنید و سپس دست به نوشتن ببرید؛ به این معنی که قبل از نوشتن باید بدانید می‌خواهید به چه نتیجه‌ای برسید (من مدرک دکترایم را به همین طریق گرفته‌ام). اما حالا در حین نگارش این کتاب یافته‌هایم مدام باعث آشفتگی و حیرتم می‌شد. با در پیش گرفتن روش افرادی نظیر ارنست

گلنر، بندیکت اندرسون و دیگران که سرآغاز تحولات مفهومی در زمینه تاریخ ملی بوده‌اند یافته‌هایم در روند پژوهش در پرتو بینشی قرار گرفتند که مرا به مسیرهای غیرمنتظره رهنمون کرد. بر خود می‌دانم تأکید کنم که در مسیر این پژوهش به‌ندرت با یافته‌های تازه مواجه شدم. تاریخ‌نگاران صهیونیست و اسرائیلی کمابیش تمام این‌ها را پیش‌تر یافته بودند. با این تفاوت که به برخی مؤلفه‌ها توجه کافی نشده بود، برخی را به‌عمد نادیده انگاشته و برخی نیز «فراموش» شده بودند چون با اقتضائات هویت ملی در حال تکامل جور نبودند. جالب اینجاست که بیشتر اطلاعات ذکرشده در این کتاب در محافل محدود پژوهش‌های حرفه‌ای همیشه شناخته‌شده بودند، اما در عرصه‌ی عمومی و حافظه‌ی آموزشی همواره مغفول واقع می‌شدند. وظیفه‌ی من این بود که این اطلاعات تاریخی را در مسیری جدید سازمان‌دهی کنم، گردوغبار اسناد قدیمی را کنار بزنم و آن‌ها را به‌طور مداوم موردبررسی مجدد قرار دهم. نتیجه این بود که به روایتی کاملاً متفاوت با آنچه پیش از این به من آموخته بودند دست یافتم.

متأسفانه تنها شمار اندکی از همکاران من (معلمان تاریخ در اسرائیل) وظیفه‌ی خود می‌دانند که مأموریت خطیر افشای دروغ‌های متداول درباره‌ی گذشته را به عهده بگیرند. اما من نمی‌توانستم بدون نوشتن این کتاب به زندگی در اسرائیل ادامه دهم. فکر نمی‌کنم کتاب‌ها دنیا را تغییر دهند، اما زمانی که دنیا شروع به تغییر کند به دنبال کتاب‌های متفاوت خواهد بود. شاید ساده‌لوح باشم، اما امید دارم که این کتاب یکی از آن‌ها باشد.